

خوشه های خشم

The Grapes of Wrath

اثر : جان اشتاین بک
ترجمه : محمد صادق شریعتی

چاپ اول ۱۳۸۶

انتشارات گویش نو

سرشناسه : استاین بک، جان، ۱۹۰۲-۱۹۶۸ م.
 عنوان و نام بدید آورنده : خوشه های خشم = The Grapes of warth/ اثر جان اشتاین بک،
 ترجمه : محمد صادق شریعتی
 مشخصات نشر : تهران، گویش نو، ۱۳۸۶.
 مشخصات ظاهری : ۱۶۷ ص.
 شابک : ۹۶۴-۹۶۱۶۸-۹-۶
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 یادداشت: عنوان اصلی : The grapes of wrath;
 یادداشت : این کتاب در سال های مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.
 موضوع : داستان های آمریکایی - قرن ۲۰ م.
 شناسه افزوده : شریعتی، محمد صادق، ۱۳۳۶-، مترجم.
 رده بندی دیویی : ۸۱۳/۵۴
 شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۹۱۶۳۷

شناسنامه :

ناشر : گویش نو

تیراژ : ۵۰۰۰

قیمت : ۱۸۰۰۰ ریال

مرکز پخش : خیابان فخر رازی، وحید نظری شرقی - پ ۱۲۱ - واحد ۱۲B

تلفن: ۵۰-۴۹-۶۶۹۵۶۰

تلفکس: ۶۶۴۸۴۵۳۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

۱.....	فصل اول : مقدمه
۶.....	فصل دوم : تام به خانه می آید
۲۰.....	فصل سوم : خانواده جود
۳۶.....	فصل چهارم : بزرگراه ۶۶
۵۳.....	فصل پنجم : اشکالات مکانیکی
۷۲.....	فصل ششم : اردوگاه های کنار جاده
۹۴.....	فصل هفتم : هوورویل ها
۱۱۷.....	فصل هشتم : اردوگاه دولتی
۱۳۳.....	فصل نهم : کار مهاجرین
۱۵۳.....	فصل دهم : اردوگاه های پنبه
۱۶۸.....	فعالیت

Introduction

مقدمه

Uncle John said, "We've never been paupers before."
"Maybe we have to learn," Tom said. "We never were forced off our land before."

عمو جان گفت: «قبلاً هرگز فقیر نبوده ایم.»
تام گفت: «شاید ناچار شویم تجربه کنیم. قبلاً هرگز از سرزمین مان رانده نشدیم.»

In October 1929, Wall Street, the center of finance in the United States, crashed. This was the start of the Great Depression, which lasted through the 1930s.

در اکتبر ۱۹۲۹، وال استریت، مرکز مالی ایالات متحده سقوط کرد.
این آغاز رکود بزرگ بود که تا دهه ۱۹۳۰ به طول انجامید.

During those years, there was less business activity and there was high unemployment. By 1933, sixteen million people were unemployed. Across the country, banks closed down and people lost their savings.

در آن سالها فعالیت تجاری کمتر بود و بیکاری فراوان تا ۱۹۳۳ شانزده میلیون نفر بیکار بودند. در سراسر کشور بانکها ورشکسته شده و مردم پس اندازهایشان را از دست دادند.

In many places, people who became poor and homeless lived together in camps. These camps were called Hoovervilles because a lot of people blamed President Hoover for the Depression.

در بسیاری جاها مردمی که فقیر و بی خانمان می شدند به طور جمعی در اردوگاه می زیستند. این اردوگاه ها هوورویل نامیده می شدند چون مردم، رئیس جمهوری هوور را مسئول رکود می دانستند.

In the Hoovervilles some people lived in boxes and others in cars or tents.

در هوورویل ها برخی مردم در جعبه و بقیه در ماشین یا چادر زندگی می کردند.

At the same time, the southwestern states (including Oklahoma, Kansas, and Arkansas) were hit by years without rain. In these places, the land dried up and turned to dust. These states were called the Dust Bowl.

در عین حال، ایالات جنوب غربی (از جمله اکلاهاما، کانزاس و آرکانزاس) سالها دچار خشکسالی می شدند. در این نقاط زمین خشک و بدل به خاک شد. این ایالات کاسه خاکی نام گرفتند.

Feeling the economic pressure, the banks were unable to save the land. They forced the tenant farmers off their farms.

زیر فشار اقتصادی، بانکها نمی توانستند زمین ها را نجات دهند. آنها کشاورزان اجاره دار را از زمین می راندند.

Hundreds of thousands of people left the Dust Bowl and headed west to California. These people heard that California was the golden state the land of jobs, green hills, and valleys of fruit trees.

صدها هزار نفر منطقه کاسه خاکی را رها کرده به سوی غرب یعنی کالیفرنیا حرکت کردند. این ها می شنیدند که کالیفرنیا ایالت طلایی، سرزمین شغل، تپه های سبز و دره های درختان میوه است.

They drove thousands of miles in search of jobs and a better life for their families.

آنها هزاران مایل در جستجوی کار و زندگی بهتر برای خانواده هایشان می راندند.

Putting everything they own into a truck, the Joad family leaves Oklahoma for California. They have been tenant farmers for many years.

خانواده جود همه چیزشان را در یک کامیون گذاشته و اکلاهما را به قصد کالیفرنیا ترک می کنند. آنها سالها کشاورز اجاره دار بودند.

Although they were never rich, they were never paupers—until now. The Joads need to learn a new way of life on the road with little money. They share camps with strangers and are often forced to leave by local sheriffs.

اگرچه هرگز پولدار نبوده اند ولی فقیر هم نبودند. خانواده جود باید شیوه جدید آوارگی با پول کم را تجربه کنند. در فضای مشترک در اردوگاه کنارگریه ها زندگی می کردند و اغلب کلاتر های محلی آنها را وادار به ترک آنجا می کردند.

Ma and Pa are the heads of the Joad family. Their son, Tom, has just been freed from prison and is on parole. Their eldest son, Noah, has always been slow and quiet.

مادر و پدر، رئیس های خانواده جود هستند. پسرشان تام تازه از زندان آزاد شده آنها هم آزادی مشروط. بزرگترین پسرشان نوح همیشه کند و آرام بوده.

Their teenage son, Al, is more interested in girls than anything else: But he has learned about cars and this is useful for the family.

پسر نوجوانشان آل بیشتر به دخترها علاقه دارد تا چیز دیگری ولی از مکانیک اتومبیل سر رشته دارد و این برای خانواده مفید است.

Their daughter, Rosasharn, recently married Connie Rivers and is now expecting his baby.

دخترشان رُزاشارن به تازگی با کانی ریورز ازدواج کرده و حالا در انتظار یک بچه است.

The youngest Joad children, Ruthie and Winfield, are too young to understand everything that is happening. For them, this new life is a big adventure.

بچه های کوچک جود، رونی و وینفیلد کوچک تر از آنند که همه رویدادها را درک کنند. به نظر آنها این زندگی جدید ماجرای بزرگی است.

Other members of the Joad family also travel to California: Grandma, Grandpa, and Uncle John. The family is joined by Casy, who used to be a preacher.

اعضای دیگر خانواده جود؛ مادر بزرگ و پدر بزرگ و عموجان به کالیفرنیا سفر می کنند. کیسی که قبلاً کشیش بوده این خانواده را همراهی می کند

On the road to California, the family struggles with illness and death. They meet people who say that the life in California is hard and that people there are dying of hunger. But their hopes for jobs and better lives keep them going.

در راه کالیفرنیا، خانواده با بیماری و مرگ دست به گریبان می شود. به افرادی بر می خورند که می گویند زندگی در کالیفرنیا سخت است و

مردم آنجا از گرسنگی می میرند. ولی امید آنها به پیدا کردن کار و زندگی بهتر، آنها را می برد.

John Steinbeck was born in Salinas, California, in 1902. Before he became successful as a writer, Steinbeck had many different jobs.

جان اشتاین بک در سالیناس کالیفرنیا در ۱۹۰۲ به دنیا آمد. پیش از آنکه نویسنده موفق شود، شغل‌های بسیاری داشت

He worked as a ranch worker, fruit-picker, and a builder. These experiences made his descriptions of the lives of workers in his novels realistic.

به عنوان کارگر مزرعه، کارگر میوه چین و کارگر ساختمان کار کرده. این تجربیات، سبب شد تلقی اش از زندگی کارگران رمانهایش واقعی جلوه کنند.

Later, he worked for the San Francisco News, reporting on the lives of farm workers. Their stories gave Steinbeck ideas for the Grapes of Wrath, which was published in 1939.

بعداً برای سان فرانسیسکو نیوز کار کرد و گزارشاتی در مورد زندگی کارگران کشاورزی منتشر می کرد. داستانهای آنها ایده های خوشه های خشم را به اشتاین بک می داد، که در ۱۹۳۹ منتشر شد.

The book won the Pulitzer Prize and made many people realize how hard the lives of poor farm workers really were.

این کتاب جایزه پولیتزر را ربود و سبب شد بسیاری از مردم بفهمند که زندگی کارگران فقیر کشاورزی واقعاً چگونه است.

The following year, the Grapes of Wrath was made into a movie, starring Henry Fonda as Tom Joad. Steinbeck's other famous works include of Mice

and Men (1937), The Pearl (1949), The Red Pony (1948), and East of Eden (1952).

سال بعد، از خوشه های خشم فیلمی با هنرمندی هنری فوندا در نقش تام جود ساخته شد. آثار معروف دیگر اشتاین بک شامل موشها و آدمها (۱۹۳۷)، مروارید (۱۹۴۹) اسب قرمز (۱۹۴۸) و شرق عدن (۱۹۵۲) می باشند.

All of these books were also made movies and are now Penguin Readers.

از همه این کتابها فیلم ساخته شد و هم اکنون جزء کتابهای پنگوین ریدرز هستند.

Steinbeck was given the Nobel Prize for Literature in 1962. Today he is remembered because he told real stories about real people.

در ۱۹۶۲ جایزه نوبل در ادبیات به اشتاین بک داده شد. امروزه مردم بیاد او هستند زیرا داستانهای واقعی از مردمان واقعی سرود.

He understood the idea of "the American dream," but he knew that is was not possible for everyone. He wrote in a clear and simple style. And he wrote about the poor and lonely people who many people forgot.

او اندیشه «رؤیای آمریکایی» را درک می کرد ولی می دانست که برای همگان ممکن نیست، او به سبک شفاف و ساده ای می نوشت. و درباره مردمان فقیر و تنهایی می نوشت که بسیاری فراموششان می کردند.

John Steinbeck died in New York in 1968.

جان اشتاین بک در ۱۹۶۸ در نیویورک درگذشت.